

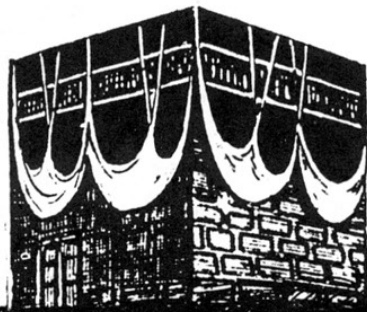
نقد و معرّفی کتاب

برخی از

سفرنامه‌های حج

تألیف: حمد الجاسر

ترجمه: سید حسن اسلامی



سفرنامه‌هایی که در توصیف راه مکه، و مشاعر حج و آثار معنوی آن، بویژه شهرهای مقدّس «مکه» و «مدینه»، از دیرباز تاکنون به رشته تحریر درآمده، آن گونه که باید، مورد بحث و بررسی قرار نگرفته و حق آن ادا نشده است؛ در حالی که این نوشته‌ها، از کاملترین و معتبرترین منابع در بارهٔ حجاز، از جنبه‌های تاریخی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و جغرافیایی بشمار می‌رود.

می‌شدند تا علاوه بر ادای فریضه حج نیازهای دیگر خود را که مهمترین آنها افزایش توان علمی و بهره‌وری علمی بوده برآورده سازند. این چنین است که می‌بینیم دانشمندی از دورترین نقاط شرق یا غرب راهی مکه می‌شود تا در آنجا با همتای خود که از مکان دور دیگری عازم مکه شده است، دیدار و مبادله علمی کند و با این کار تفاهم و وحدت و نزدیکی، بهره‌وری علمی، استمرار پیوندهای معرفتی و انتشار افکار و اندیشه‌ها در کشورهای مختلف اسلامی حاصل شود. با این تصور بود که عالمان اندلسی، تنها برای بجا آوردن فریضه حج راهی مکه نمی‌شدند. بلکه می‌رفتند تا دانش گسترتری کنند و ظرفیت علمی خود را افزایش دهند و حلقه اتصال علمی و فرهنگی میان شرق و غرب جهان اسلام باشند.

اگر پژوهشگر یا محققى برآن شود تادست به تحقیق و تألیفی در باره ارتباط اندلیسها با مکه در بعد فرهنگی بزند، متوجه می‌شود که مطلب گسترده‌تر از آنست که در آغاز پنداشته بود. ما به اختصار و گذرا نگاهی می‌کنیم به دو کتاب تا برخی از عالمانی را که طی قرنهای سوم تا هفتم هجری از اندلس راهی مکه شده‌اند، بشناسیم:

اولین کتاب «نفح الطیب» نوشته مقرئ است و دومین کتاب «فهرست مارواه ابوبکر

مکه مکرمه از جنبه فرهنگی:

مکه در گذشته و حال همواره محل اجتماع و گردآمدن مسلمانان سراسر جهان بوده است و در نتیجه از مهمترین و قویترین مراکز نشر فرهنگ میان سرزمینهای مسلمان‌نشین و حلقه اتصال میان عالمان شرق و غرب و شمال و جنوب عالم اسلامی در ادوار گوناگون بوده و هست.

با انتقال مرکز خلافت از شبه جزیره، در نیمه دوم سده اول هجری، بطور طبیعی مرکز جدید خلافت مورد توجه خاص و عام قرار گرفت و عالمان راهی آن دیار شدند؛ زیرا چشمها همواره متوجه حکمران و پایتخت است و با آنهاست که امنیت و آرامش حاصل می‌شود. با این همه، مکه مکرمه موقعیت و منزلت دینی و آیینی خود را در دل مسلمانان حفظ کرد و آنان - تا هنگامی که مسلمان هستند - همواره رو به آن دارند و کعبه آمالشان در آن جا قرار دارد. نه تنها برای ادای فریضه حج - که بر هر مسلمان بالغ و توانایی واجب است - قصد آن شهر را کند، آنجا مرکز گردآمدن مسلمانان از تمامی نقاط جهان اسلام است، و از زمان ظهور اسلام تاکنون مکه مرکز فرهنگ اسلامی و عربی بوده و هیچ شهر دیگری شاهد چنین تجمع سالیانه عالمان در خود نیست.

عالمان از روزگاران نخست، از سرزمینهای گوناگون اسلامی راهی مکه

۲۹۵ق) در مکه نزد علی بن عبدالعزیز و دیگران تلمذ کرد و دانش فراگرفت.
* در قرن چهارم از جمله عالمانی که از اندلس راهی مکه شده‌اند. می‌توان اینان را نام برد:

۱ - محمد بن عبدالله بن یحیی (۲۸۴ - ۳۳۹)، از علمای بزرگوار اندلس و قاضیان بزرگ آن خطه و از کسانی است که در مکه، نزد ابن المنذر، عقیلی و ابن الاعرابی، تلمذ کرده است.

۲ - محمد بن احمد بن مفرج: در مکه به سال ۲۳۷ ق نزد ابن الاعرابی و دیگران تلمذ کرد و در جده و مدینه منوره نیز به تعلّم و دانش آموزی پرداخت.

۳ - عمر بن عبدالملک بن سلیمان خولانی. ابن خیر در کتابش (الفهرست) نقل می‌کند که سنن ابی داوود را به سند خود از عمر روایت می‌کند و او نیز در مکه طی سالهای ۳۳۹ و ۳۴۰ ق از ابن الاعرابی روایت کرده و اخذ نموده است.

۴ - عبدالرحمان بن خلف اقلیشی. در سال ۳۴۹ راهی مکه گشت و در آن جا نزد ابوبکر آجری و ابوحفصی جمحی به تلمذ و کسب علم پرداخت.

۵ - منذر بن سعید بلوطی (متوفای سال ۳۵۵ ق). در مکه نزد محمد بن المنذر نیشابوری اخذ علم و به سندش از او کتاب «الاشراف» در اختلاف علما را روایت نمود.

۶ - همچنین ابن خیر کتاب صحیح بخاری را روایت می‌کند و سند خود را به

محمد بن خیر الاشبیلی می‌باشد.
این عالمان در حقیقت پیکهای دانش و حاملان فرهنگ و معرفت بوده‌اند. کتابهای مذکور برخی از این عالمان را در قرن سوم چنین نام می‌برد:

۱ - یحیی بن یحیی لیثی (۲۳۴ ق) راوی موطأ مالک.

او در مکه از محضر سفیان بن عیینه و دیگران بهره برد و نزد آنان دانش آموخت.

۲ - ثابت بن حزم سرقسطی و پسرش قاسم که سال ۲۸۸ ق به بعد در مکه به بهره‌گیری علمی و تلقی حدیث مشغول بودند.

۳ - زکریابن خطاب تطیلی. در سال ۲۹۵ ق از اندلس راهی مکه شد و در آن جا کتاب «النسب» نوشته دانشمند حجازی زبیر بن بکار (متوفای سال ۲۵۶) را از زبان جرجانی که آن را از علی بن عبدالعزیز از مؤلف کتاب، روایت می‌کرد شنید^۱ و فرا گرفت. همچنین او در مکه کتاب موطأ مالک را از ابراهیم بن سعید حدّاء شنید و فرا گرفت.

۴ - یحیی بن عبدالعزیز قرطبی (۲۹۵ ق) در مکه از علی بن عبدالعزیز علم آموخت و از او حدیث شنید.

۵ - قاسم بن اصیبغ (حدود ۳۲۴/۲۴۷ ق). از نامدارترین علماست که در مکه نزد محمد بن اسماعیل الصائغ و علی بن عبدالعزیز تلمذ کرد و علم آموخت.

۶ - محمد بن عبدالله خولانی (متوفای

عبدالصمد طبری مکی را به سند خود از احمد بن شعبان مَصْرَی از مؤلف آن روایت می‌کند. وی این کتاب را در سال ۴۷۳ در مکه نزد شیخ خود قرائت کرده و اجازه روایت آن را گرفته است.

۶ - محمد بن عبدالرحمان اشبیلی (متوفای حدود سال ۴۵۰ق) در مکه نزد رزین بن معاویه پیشوای مالکیان، به اخذ علم پرداخت.

۷ - عمر بن حسن هوزنی (متوفای ۴۶۰ق) در راه خود به سوی مکه کتاب صحیح بخاری را استماع کرد و روایت او را بسیاری از علمای اندلسی نقل و ضبط کردند.

* در قرن ششم نیز عالمان بسیاری از اندلس راهی مکه مکرمه شدند که برخی از آنان عبارتند از:

۱ - محمد بن حسین میورقی. در مکه به سال ۵۱۷ق نزد عبدالله بن محمد بیضاوی و عبدالملک بن ابی مسلم نهاوندی به دانش آموزی پرداخت.

۲ - محمد بن یوسف مرسی، در مکه به سال ۵۲۱ق از رزین بن معاویه کسب علم و تلقی حدیث نمود.

۳ - محمد بن عبدالله بن العربی (۴۶۸ - ۵۴۳). پیشوای بزرگوار مالکیان و دارای تألیفات بسیار در علم حدیث و جز آن، در مکه از حسین طبری و ابن طلحه و ابن بندار علم و حدیث فرا گرفت و سفرنامه‌ای به شرق نیز دارد که ابن رشید فهری و دیگران از

محمد بن احمد مروزی در مکه به سال ۳۵۳ق می‌رساند و این یک نیز سند خود را به بخاری متصل می‌کند.

۷ - ابن خیر کتاب «تاریخ البرقی فی رجال الموطأ» را به سند خود از علی بن احمد بن شعیب در مکه به سال ۳۸۹ روایت می‌کند و او نیز سند خود را به مؤلف نسبت می‌دهد.

* در قرن پنجم نیز برخی از عالمان اندلسی که راهی مکه شده‌اند بدین قرارند.

۱ - عبدالوهاب بن محمد قرطبی مَقْرَی. (۴۰۳ - ۴۶۱) در مکه نزد ابوالعباس کازرینی، علم آموخت.

۲ - عمر بن محمد سجزی که ابن خیر صحیح مسلم را از او روایت می‌کند و تاریخ این اخذ و نقل ۴۰۳ هجری و محل آن مکه است.

۳ - ابن خیر اشبیلی کتاب «سیره النبی - صلی الله علیه و آله و سلم - نوشته ابن طرخان تیمی را به سند خود از محمد بن احمد بن عیسی بن منظور روایت می‌کند و ابن منظور نیز این کتاب را در مسجد الحرام در کنار «باب الندوه» به سال ۴۳۱ق، نزد ابوذر عبد بن احمد هروی قرائت کرده است.

۴ - همچنین ابن خیر «سنن ترمذی» را به سند خود از محمد بن احمد اردستانی که به سال ۴۵۵ق نزد او خوانده است روایت می‌کند و سند آن را به مؤلف می‌رساند.

۵ - باز ابن خیر کتاب «التلخیص فی القراءات الثمان» نوشته عبدالکریم بن

آن نقل قول کرده‌اند.

بخشی از آن را نیز استاد دکتر احسان عباسی حدود سه سال قبل در مجله «الابحاث» منتشر کرده است که با بخشی که کتانی آن را یاد کرده و در کتابخانه‌اش در «خزانة الرباط» موجود است، چندان تفاوتی ندارد.

۴ - احمد بن عیسی، در مکه به سال ۵۴۷ ق «جامع ترمذی» را نزد ابوالفتح کرخی فراگرفت و از او استماع کرد.

۵ - طارق بن موسی بن یعیش (متوفای سال ۵۴۹ ق) در مکه از حسین بن علی طبری و عبدالباقی زهری، کسب علم و حدیث کرد و از او کتاب «الاحیاء» را که از مؤلفش غزالی روایت می‌کرد، فراگرفت و استماع کرد.

۶ - خلف بن فرج بن خلف، در مکه رزین بن معاویة اندلسی مکی را به سال ۵۰۵ ملاقات کرد و از او کتابش «تجرید الصحاح» را نقل نمود.

۷ - حسین بن محمد بن حسن انصاری (متوفای سال ۵۸۵ ق). در مکه صحیح بخاری را به سند خود از علی بن حمید طرابلسی، روایت نمود.

۸ - مساعد بن احمد بن مساعد اصبیحی (۴۶۸ - ۵۴۵)، در مکه با ابو عبدالله طبری دیدار و از او صحیح مسلم را روایت کرد. همچنین او با ابو محمد بن العرجاء، ابوبکر بن الولید طرطوشی و یاران امام محمد غزالی دیدار کرد و از جمله کسانی

است که با زنی به نام «صباح» کنار «باب الصفا» ملاقات نمود و نزد او برخی متون تفاسیر را قرائت کرد. روزی به شعری که به عنوان شاهد در تفسیر آمده بود برخوردند. صباح پرسید گوینده این شعر کیست؟ از ابو محمد بن العرجاء پرسیدند و او اظهار بی‌خبری کرد و گفت سراینده آن را نمی‌شناسد. صباح بداهتاً قطعه زیر را سرود:

«خورشید دو ستارت شبانگاه طلوع کرد
و پرتوافشانی نمود و خورشیدی که
بی‌غروب است. خورشید روز در شب
غروب می‌کند و خورشید دلها همیشه تابان
و بدون غروب است.

۹ - محمد بن جبیر (۵۴۰ - ۵۹۹) نویسنده سفرنامه معروف است. از اشعار زیبا و لطیفش قطعه ذیل است:

«نشانه‌های خانه هدایت در مکه در
حالی که نور بر آن پرتو افکنده بود، بر من
آشکار شد و من با عشق و شوق احرام بستم
و قلبم را به عنوان قربانی هدیه کردم.

ابن جبیر در سفرنامه‌اش از مکه و علمای آن سخن می‌گوید.

۱۰ - ابراهیم بن منبه غافقی به سال ۵۵۵ ق در مکه صحیح بخاری را از سلطان بن ابراهیم مقدسی به روایت زنی به نام کریمه مروزی استماع کرد و فراگرفت. از ابوذر هروی که از علمای مکه است. منقول است که می‌گفت:

«بر شما باد روایت «کریمه»؛ زیرا او

نزدیکتر. چه بسا سؤال شود که عالمان عراق، شام و مصر، تا چه حدی با مکه ارتباط داشتند؟ پاسخ آنست که ارتباط این سرزمینها با ام القریٰ قابل بیان در صفحات معدودی نیست، بلکه نیاز به مجلدات جداگانه‌ای دارد. در این جا ناچاریم هرچند به اختصار از ارتباط این سرزمینهای سه‌گانه که در بردارندهٔ عالمان بسیار و امتحانات زندگی راحت و آرامی برای آنان بود سخن بگوییم. آنان راه دیگری پیش گرفتند که تفصیل آن نیاز به مجال دیگری دارد.

در جنوب شبه‌جزیره که از نظر شیوهٔ زندگی اجتماعی به ساکنان حرمین شریفین، نزدیک بود و این نزدیکی در شیوهٔ زندگی همواره از وسایل نزدیکی اندیشه و افکار است، چه اثری حاصل شد؟

پاسخ آنست که در قرنهای سوم و چهارم در یمن علامه و دانشمند بزرگواری پدیدار شد که کشورش را ترک نگفت. با این حال تألیفاتش در زمان حیاتش به اندلس رسید، او حسن بن احمد همدانی است.^۲

در مؤلفاتش اشاراتی دارد که پرده از روی فعالیت و حیات فرهنگی در مکه برمی‌دارد. همدانی «السیره النبویه» تألیف محمد بن اسحاق را از عالمی مکی به نام خضر بن محمد بن داوود، روایت نمود. در مشرق سیره نبویه محمد بن اسحاق به روایت عبدالملک بن هشام از بکائی از مؤلف معروف است و در مغرب این سیره به روایت ابن بکیر شناخته شده است. لیکن

صحیح بخاری را از طریق ابوالهیثم نقل می‌کند.» مراد او آن بود که این زن صحیح بخاری را با اسنادی عالی و خدشه ناپذیر روایت می‌کند.

* برخی از مشهورترین عالمان قرن هفتم که به مکه سفر کرده‌اند، عبارتند از:

۱ - محمد بن عمر بن محمد معروف به ابن رُشید (۶۵۷ - ۷۲۱). او از نامدارترین علمای اندلس است و سفری به سرزمینهای شرق داشت و بسیاری از دیده‌ها و مشاهدات خود را در کتابی نوشت و آن را «ملء العیبه» نام گذاشت. این کتاب در پنج بخش است که چهار بخش آن به خط خود مؤلف موجود است. او بخشی از این کتاب را به حجاز اختصاص داده و در آن مسائل بسیاری از احوال و وضعیت آن جا را بازگو نموده است و همچنین عالمانی را که در آن خطه دیدار نموده، ذکر کرده است. ما این بخش را در جلد سوم از مجله «العرب» چاپ و منتشر کرده‌ایم.

۲ - محمد بن ابراهیم بن غصن اشبیلی (۶۳۱ - ۷۲۳) از علمای بزرگ اندلس بود. برای ادای فریضهٔ حج عازم مکه شد و در آن جا به تعلیم پرداخت و قرآن کریم را آموزش داد و از کسانی که نزد او به تعلّم پرداختند، شیخ خلیل پیشوای مالکیان و شهاب‌الدین طبری پیشوای حنفیان را می‌توان نام برد.

اینها نمونه‌های گذرایی بودند از ارتباط علمای دورترین نقاط جهان اسلام به مکه مکرّمه. تا چه رسد به ارتباط جاهای

مراکز و محافل بود که فرهنگ اسلامی نخست ریشه دوانید و پا گرفت و گسترش یافت و به همه جا منتشر گشت. سرزمین مغرب بزرگ باتمامی کشورهای آن از جمله اندلس، هرچند در دوران شکوفایی خود به رود پرخروش فرهنگ اسلامی پیوستند و بر شتاب آن افزودند؛ لیکن علمای آن به این مراکز بویژه مکه و مدینه به چشم دیگری می‌نگریستند و آن جاها را محط رجال و غایت آمال و کعبه مقصود خود می‌شناختند و تنها برای برآوردن فریضه حج عازم آن خطه نمی‌شدند. که آن سرزمین را محلی برای دانش اندوزی، برآوردن نیازهای معنوی و شرکت در بزرگترین گردهم‌آیی و دیدار با عالمان می‌دانستند. برای گفتگو از توجه عالمان مغربی به تدوین مشاهدات سفرهایشان به مجال بیشتری نیاز است. لیکن کافی است بدین مناسبت اشاره کوتاهی به یکی از این سفرنامه‌ها کنیم.

پژوهشگر تاریخ فرهنگ، هنگام تحقیق متوجه می‌شود که از قرن یازدهم هجری تا پایان قرن سیزدهم که جمود و درج‌ازدن بر تمام جنبه‌های فرهنگ حاکم شده بود، ادبیات سفرنامه‌نویسی شکوفا می‌گردد.

گمان نمی‌کنم سخنی را که در «نشست مورخ اندلسی، ابن حیان» که در رباط آخرماه محرم همین امسال (۱۴۰۲ ق) برگزار شده بود. به زبان آوردم دور از حقیقت باشد: «سفرنامه‌های ابن بطوطه و ابن جبیر - با

تا آن جا که می‌دانم روایت مکیان و نقل خضر را تنها همدانی روایت کرده است. البته آنان روایت یا روایات دیگری نیز دارند که در کتابهای ازرقی و فاکهی در باره مکه به آنها اشاراتی شده است.

در این جا مسأله بسیار با اهمیتی در حفظ و نشر فرهنگ اسلامی وجود دارد که ندیده‌ام هیچ یک از پژوهشگران به آن پرداخته باشند، و آن نقشی است که علمای اندلس در حفظ بخش بزرگی از میراث فرهنگ اسلامی ایفا کرده‌اند. آنان در سفرهایشان به مکه مطالبی را فراگرفتند و با عالمانی دیدار کردند و در بازگشتشان آنها را ثبت و منتشر کردند و بعدها جهان اسلام تنها از این طریق توانست این موارث را بازشناسد و حفظ کند. برای مثال به سه تن از علمای شبه جزیره اشاره می‌کنم که عالمان اندلسی آنان را شناختند و آثارشان را نقل کردند و عالمان مشرق زمین تنها از طریق این عالمان بودند که آنان را شناختند. این سه تن عبارتند از محمد بن اسحاق فاکهی^۳ مورخ اهل مکه، ابوعلی، هارون بن زکریا هجری^۴ و حسن بن احمد همدانی، مورخ و عالم یمنی.^۵

علمای مغرب در نوشتن سفرنامه‌های خود بر دیگران پیشی گرفتند و زبانزد این کار گشتند. شاید علت آن، دوربودن آن سرزمین از مراکز فرهنگی و محافل علمی در حجاز و شام و عراق در دوران نخستین و مصر و استانبول در دوران اخیر بوده باشد. در این

(۵۲۸ - ۶۷۰ ق) مشاهدات و دیده‌های خود را در سفری که سالهای ۵۷۸ - ۵۸۱ (ق) داشته خود - و به قولی یکی از شاگردانش - نوشت و این سفرنامه همان رحله ابن جبیر معروف است. این سفرنامه بارها چاپ شد و مورد بررسی برخی پژوهشگران از جمله استاد عبدالقدوس انصاری قرار گرفت. نامبرده تحقیق خود را به نام «مع ابن جبیر» فی رحلته منتشر کرده است.

سفرنامه ابن رُشید

نامش محمدبن عمر بن رُشید فهری بستی اندلسی (۶۵۷ - ۷۲۱ ق) است. او از مصر و شام و حجاز دیدار کرد و از طریق شام در ۲۳ ذی‌قعدة سال ۶۸۴ به مدینه منوره رسید و پس از ادای فریضة حج در ۲۸ ذیحجه سال ۶۸۴ از مدینه بازگشت و از «عقبه» در ۲۵ محرم سال ۶۸۵ گذشت و به ساحل رسید.

با آنکه علمای پیشین به سفرنامه ابن رشید که آن را «ملء العیبه، فیما جمع بطول الغیبه، فی الوجهین الکریمین الی مکه و طیبه» نام نهاده بود توجه و عنایت خاصی داشتند. لیکن همه آن - که از مفصلترین و کاملترین سفرنامه‌هاست - به دست ما نرسیده است و اجزاء بجا مانده ظاهراً به خط خود مؤلف است. دوست ما استاد محمد حبیب بن خوجه مفتی کشور تونس، مشغول تحقیق و تصحیح این سفرنامه است و در ۱۴ ماه ربیع الاول سال ۱۴۰۲ ق

تمام ارزشمندی که دارند - نمی‌توانند آینه تمام‌نمای دیگر سفرنامه‌های علمای مغرب باشند. و پژوهشگران در هریک از آنها با اطلاعاتی جدید و خاص و کامل در باره شبه‌جزیره و احوال آن روبرو می‌شوند.»

مبالغه نیست اگر گفته شود در سفرنامه‌های ابن رُشید فهری، تحیبی، عبدری، عیاشی، احمد بن ناصر درعی و محمد بن عبدالسلام درعی و کسان دیگری که تا پایان قرن سیزدهم دست به نوشتن سفرنامه زدند، دقیق‌ترین، کاملترین، و معتبرترین منابع برای بررسی شهرهای ارجمند مکه و مدینه، از جهات اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی به شمار می‌روند و تاکنون به پژوهشگری برنخورده‌ام که به این سفرنامه‌ها به عنوان فراگردی که در موضوع خود رو به تکامل است و به کمال نزدیکتر می‌شود بنگرد.

معروفترین سفرنامه‌های حج

تنها مجال آن باقی است تا به ذکر مهمترین سفرنامه‌های حج که امکان دانستن آن برای هر محققى ممکن است بپردازیم. مطالب بسیاری از این سفرنامه‌ها که مربوط به حج است به صورت خلاصه در مجله «العرب» به چاپ رسیده و منتشر شده است.

سفرنامه ابن جبیر

محمد بن احمد بن جبیر کنانی اندلسی

به من خبر داد که دو بخش از آن را چاپ کرده است.

منصور تحقیق و در ۵۵۷ صفحه در تونس چاپ و منتشر کرده است.

سفرنامهٔ عبدری

محمدبن محمدبن علی عبدری حیجی - منسوب به حاحه (برخلاف قاعدهٔ نسبت) قبيله‌ای از بربر در مغرب دور از عالمان قرن هفتم بود.

او در سال ۶۸۹ق از طریق ساحل عازم مکه شد و بر مصر گذر کرد و این راه را منزل به منزل توصیف نمود و از سفرنامهٔ ابن جبیر سود جست و مطالبی در سفرنامه‌اش ذکر کرد که در سفرنامهٔ ابن جبیر نیامده است.

این سفرنامه با تحقیق محمد الفاسی در سال ۱۳۸۸ق (۱۹۶۸م) در شهر رباط چاپ و منتشر شده است.

سفرنامهٔ تجیبی

قاسم بن یوسف بن علی بستی تجیبی (۶۷۰ - ۷۳۰ق)، در سال ۶۹۶ از طریق دریا به مکه مشرف شد. او از «عیذاب» حرکت کرد و پس از ۲۴ روز سفر دریایی در ۸ رمضان آن سال به بندره ابحر» یکی از بنادر «جده» رسید.

اکنون نسخهٔ کاملی از این سفرنامه موجود نیست، بلکه تنها بخشی از آن بجا مانده است که از توصیف شهر «قاهره» شروع و به اقامت در «منی» ختم می‌گردد. این بخش را دوست ما استاد عبدالحفیظ

سفرنامهٔ ابن بطوطه

نامش محمدبن عبداللہ بن محمد لواتی طنجی (۷۰۳ - ۷۷۹ق)، معروف به ابن بطوطه (با تشدید طای ضمه‌دار) است و سفرنامه‌اش بسیار مفصل و گسترده است. او به سرزمینهای اسلامی و کشورهای مشرق در دوران خود سفر کرد و سفرش بیست و هفت سال طول کشید و از سال ۷۲۵ق آغاز گشت.

محمدبن جزی کلبی در سال ۷۵۶ در شهر «فاس» مشاهدات ابن بطوطه را از او شنید و آن را مکتوب کرد و بر آن نام «تحفة النظر فی غرائب الامصار و عجائب الاسفار» نهاد.

در این سفرنامه برخی کژیها و نادرستی‌ها وجود دارد. از جمله آنچه از شیخ الاسلام ابن تیمیه نقل می‌کند؛ او به گونه‌ای از ابن تیمیه سخن می‌راند که گویی به حضورش رسیده و او را درک کرده است. حال آنکه چند روز قبل از رسیدن ابن بطوطه به دمشق، ابن تیمیه زندانی شده و تا آمدن او از زندان خارج نشده بود.

این سفرنامه به دلیل شمول و گستردگی آن، از معروفترین سفرنامه‌ها به شمار می‌رود و بسیار مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته و به زبانهای گوناگون ترجمه شده و بارها به طبع رسیده است.

که نسخه دیگری از آن در کتابخانه شیخ الاسلام عارف وجود دارد. ابن عبدالسلام در سفرنامه‌اش و نویسنده سفرنامه «در الفوائد المنظمة» از مطالب این سفرنامه استفاده و از آن نقل قول کرده‌اند.

سفرنامه قلصادی

ابوالحسن علی قلصادی اندلسی (متوفای سال ۸۹۱ق)، از راه دریا در ماه شعبان سال ۸۵۱ق به «جده» رسید و پس از ادای فریضة حج از طریق دریا «رابغ» و «عقبه» را پشت سر گذاشت و در محرم سال ۸۵۲ق به مصر رسید.

این سفرنامه را دوستان و استاد دانشگاه زیتونه در تونس، آقای محمد ابوالاجفان تحقیق و آن را در ۲۵۶ صفحه به سال ۱۳۹۹ق (۱۹۷۸م) در تونس چاپ و منتشر کرده است.

درر الفوائد المنظمة

این کتاب - چون نامش - با گستردگی، اخبار حج و راه مکه معظمه را گزارش می‌کند و به خامة محمد بن عبدالقادر جزیری مصری حنبلی (متوفای سال ۹۴۴ق) تحریر شده است و شامل سفرهای او از قاهره به مکه از طریق ساحلی است و از این جهت داخل سفرنامه‌های حج می‌شود.

این سفرنامه براساس نسخه ناقصی چاپ شده است، در صورتی که دو نسخه

سفرنامه بلوی

خالد بن عیسی بن احمد بلوی اندلسی، از اهالی قرن هشتم بود. او با کاروان کرکی از طریق مصر و سپس شام سفر کرد و در نوزدهم ذی‌قعدة سال ۷۳۷ق به مدینه رسید و فریضة حج را بجا آورد. سپس در ۲۴ محرم سال ۷۳۸ق از مدینه بازگشت و «عقبه» و «قدس» را پشت سر گذاشت و در ۱۴ ماه صفر سال ۷۳۸ به قاهره پا گذاشت.

سفرنامه‌اش، «تاج المفرق فی تحلیۃ المشرق» نام دارد و مؤلف «نفع الطیب» آن را سفرنامه‌ای بزرگ و دارای فایده‌ها و نکته‌های بسیاری می‌داند.

نسخه‌های خطی آن را مطالعه و آن چه را که به حج مربوط می‌شد خلاصه کردم و متوجه برخی آشفتگی‌ها در ترتیب منازل راه حج گشتم که به این مطلب در مجله العرب، (سطر ۱۱، ص ۷۳۱) اشاره کرده‌ام. اندکی بعد دریافتم که این سفرنامه چاپ شده است.

سفرنامه صفدی

نامش خلیل بن ایبک صفدی (متوفای سال ۷۶۴) است و سفرنامه‌اش «حقیقة المجاز الی الحجاز» نام دارد.

نسخه‌ای خطی از این سفرنامه - که به گفته ابن عبدالسلام در سفرنامه‌اش به خط خود مؤلف است - در زاویه «درعه» در مغرب موجود است. همچنین با خبر شده‌ام

زین العابدین محمدبن محمدبکری صدیقی مصری است و دو تألیف در باره دولت ترکیه دارد که خیرالدین الزرکلی آنها را در «الاعلام» خود آورده و سال وفات او را (۱۰۲۸ ق) دانسته است.

تاکنون به سفرنامه‌اش دست نیافته‌ام، لیکن گزارش منازل را بطور کامل در سفرنامه‌های عیاشی، ابن ناصر، ابن عبدالسلام و ابی‌مدین به دست آورده و آنها را در مجله «العرب» منتشر ساخته‌ام.

سفرنامه بکری

ابن بکری در قرن یازدهم می‌زیست و سفرنامه‌اش را «الحقیقة و المجاز» نام نهاد که نسخه خطی آن در «دارالکتب المصریة» موجود است. دکتر احمد سامح خالدی، خلاصه آن را در مجله «الرساله» که در قاهره منتشر می‌شد چاپ کرده است.

سفرنامه عیاشی

ابوسالم عبدالله بن محمد عیاشی - منسوب به قبیله آیه عیاشی - فاسی (۱۰۳۷ - ۱۰۹۰ ق) سفرنامه حج خود را نوشت و نامش را «ماءالموائد» نهاد. این سفرنامه از کاملترین سفرنامه‌هاست و کاملترین سفرنامه‌ای است که از آن اطلاع یافته‌ام. در این سفرنامه آمده است: «قصدم از نوشتن این سفرنامه - ان شاء الله - آن است تا دیوان علم و دانش باشد نه کتاب قصه و لطیفه و اگر این دو نیز در کتابم یافت شوند، برای آن

خطی کاملی از آن وجود دارد؛ یکی در «دارالکتب» در قاهره و دیگری در کتابخانه «القرویین» در شهر فاس. در این مورد بنگرید به مجله «العرب» سطر ۱۲ صفحه ۳۳۱.

سفرنامه بکری

عالمان بسیاری از بکری‌ها وجود داشته‌اند و برخی نیز سفرنامه‌هایی نوشته‌اند، از جمله سفرنامه‌ای به یکی از آنان منسوب است، که دارای اسلوب ادبی زیبایی است و مؤلف بدون تکلف منازل راه را با نثر و شعر توصیف می‌کند. این سفرنامه منازل حج را از «برکه» - نخستین منزل از طرف قاهره - تا مکه وصف می‌کند و از طریق صحرای سینا، ساحل دریا، یمنبع، «بدر» و رابع مشاهدات خود را ثبت می‌نماید.

عیاشی این سفرنامه را چنین وصف می‌کند: «در مصر به نوشتاری از شیخ محمدبکری - گمان می‌کنم محمدبن شیخ زین‌الدین نام داشته باشد - برخوردیم که در آن با نثری رسا و عباراتی استوار و زیبا منازل راه مکه را در رفتن و بازگشتن وصف کرده است. و فاصله میان این منازل را با ساعت و دقیقه و نوع مسیر از نظر دشواری و آسانی برآورد و تحقیق کرده است و در هر منزل شعری مناسب حال آن آورده است.

این بکری که عیاشی او را نویسنده سفرنامه پنداشته است، زین‌الدین محمدبن

است تا خوانندگان بیشتر و بهتر در آن بنگرند، مخصوصاً اگر از متفنین و از کسانی باشند که از هر چمن گلی می‌چینند. اصحاب نظر و فهم در آن هرگونه سود و نفعی خواهند یافت که در هیچ کتاب دیگری دیده نمی‌شود.»

در حقیقت، این سفرنامه - همان گونه که مؤلف آن گفته است - به سبب داشتن مباحث متنوع علمی و گزارش کامل منازل راه مکه و مشاعر مقدس آن و توصیف دقیقی از اوضاع اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و اداری حجاز، یک دیوان علم به شمار می‌رود. علاوه بر آن به خاطر داشتن مباحث ادبی، قصه‌ها و قطعات شعر، کتاب سرگرم کننده‌ای نیز هست و شوق خواننده را برای مطالعه آن برمی‌انگیزد.

سفرنامه عیاشی منبعی برای بسیاری از جهانگردان و رحاله‌های مغربی پس از او مانند ابن ناصر، ابن عبدالسلام و زبیدی به شمار می‌رود. لذا ابن ناصر در سفرنامه‌اش عیاشی را «پیشوا و مقتدای رحلان زمان ما» معرفی می‌کند و بسیاری از مطالب سفرنامه عیاشی را در سفرنامه‌اش با تلخیصی می‌آورد که گاه منبع خود را نام می‌برد و گاه فراموش می‌کند آن را ذکر نماید.

عیاشی در سالهای ۱۰۵۹، ۱۰۶۴ و ۱۰۷۲ به مکه رفت و فریضه حج را بجای آورد و در جوار حرمین (مکه و مدینه)، قدس و «الخلیل» مجاور و مقیم گشت و آثاری نوشت که از جمله همین سفرنامه با

نام «ماءالموائد» می‌باشد.

این کتاب در سال ۱۳۱۶ق با چاپ سنگی و خط مغربی در دو جلد (شامل ۱۸۹۰ صفحه) همراه با فهرستها، مقدمه‌ها و اصلاحات مطبعی، در شهر فاس به چاپ رسید. سپس به صورت افست در سال ۱۳۹۷ق (۱۹۷۷م) تجدید چاپ شد و استاد محمد حجی، استاد تاریخ در دانشکده ادبیات در شهر «رباط» برای آن فهرستهای مفصل اعلام، اماکن و کتابها نوشت که به صورت پیوست در پنجاه صفحه به جلد دوم افزوده شد.

سفرنامه قیسی

محمدبن احمد قیسی، معروف به ابن ملیح، در قرن یازدهم می‌زیست و سفرنامه‌اش را «انس الساری السارب، من اقطار المغارب، الی منتهی الآمال و المآرب سید الاعاجم و الاعارب» نام نهاد. این سفرنامه با تحقیق شیخ محمد فاسی در شهر «رباط» در سال ۱۳۸۸ق چاپ شده است.

سفرنامه هشتوکی

نامش احمدبن محمدبن داوودبن یعزی جرولی نسب (متوفای ۱۰۹۶ق) و معروف به هشتوکی است.

در کتابخانه عمومی سفرنامه خطیبی وجود دارد که دوستان، محمدبن ابراهیم کتانی آن را نوشته هشتوکی سابق‌الذکر

می‌داند لیکن در جایی از این سفرنامه دیدم که تاریخ سال ۱۰۹۹ ق ذکر شده و مؤلف آن معاصر سلطان اسماعیل، پادشاه مغرب که طی سالهای ۱۰۸۲ تا ۱۱۳۹ ق حکمرانی می‌کرد، است و برای پیروزی این سلطان در کتابش دعا نموده و همچنین مؤلف با شیخ عبدالله بن سالم بصری (متوفای سال ۱۱۳۴) دیدار داشته است.

بهرحال مؤلف در قرن یازدهم زندگی می‌کرده است و شیخ عیاشی را شیخ خود معرفی می‌کند. اسلوب و شیوه نگارش سفرنامه گویای بضاعت مزجاة نویسنده و ناتوانی علمی اوست اگرچه از فایده‌هایی خالی نیست.

سفرنامه ناصری

مؤلف این سفرنامه احمد بن محمد بن ناصر درعی (۱۰۵۷ - ۱۱۲۹) است. این سفرنامه از کاملترین و مفیدترین سفرنامه‌ها به شمار می‌رود و مؤلف در نوشتن آن بر سفرنامه استاد و شیخش ابوسالم عیاشی - که او را پیشوای رحالان معرفی می‌کند - تکیه کرده است. ابن ناصر چهار مرتبه به مکه سفر کرد و حج گزارد که نخستین این سفرها در سال ۱۱۲۱ ق بود. این سفرنامه با چاپ سنگی در دو جلد (شامل ۴۴۲ صفحه) در شهر «فاس» به سال ۱۳۲۰ ق منتشر شده است.

سفرنامه نابلسی

عبدالغنی بن اسماعیل نابلسی دمشقی (۱۰۵۰ - ۱۱۴۳ ق)، کتابهای بسیاری در علوم مختلف روزگار خود نوشت که از آنها آنچه به این بحث مربوط می‌شود. سفرنامه‌های سه‌گانه اوست. مهمترین و پرفایده‌ترین این سه کتاب «الحقیقة و المجاز، فی رحلة الشام و مصر و الحجاز» است. این کتاب در سه بخش است و بخش سوم آن در باره حجاز است در این بخش می‌خوانیم که مؤلف برای رسیدن به مکه از مصر حرکت می‌کند و از راه زمینی خود را به مدینه و سپس مکه می‌رساند و آن‌گاه به مدینه بازگشته از آن‌جا از راه خشکی به دمشق می‌رود.

مؤلف این سفرنامه را به شیوه یادداشت‌های روزانه‌نویسی، فراهم آورده است. طبق این سفرنامه مؤلف در هفتم رجب سال ۱۱۰۴ ق از مصر خارج می‌شود و در یک صد و هشتاد و سومین روز سفرش وارد حجاز می‌شود و در سیصد و هشتاد و هشتمین روز وارد دمشق می‌شود و مشاهدات خود را طی دویست و پنج روز ثبت می‌کند.

این سفرنامه - یا سفرنامه‌های از این قبیل - از مفیدترین سفرنامه‌هاست. و بیشترین اطلاعات را در خود جمع کرده است، هرچند برخی از مطالب و آراء آن با روح عصر ما سازگار نیست.

المکیة» نام دارد و یکی از نسخه‌های خطی آن در کتابخانه شیخ الاسلام مدینه، عارف حکمه، موجود است.

سفرنامه ابن عبدالسلام

محمد بن عبدالسلام بن عبدالله ناصری درعی (متوفای سال ۱۲۳۹) از خاندان نامدار و اهل علم و معرفت بود. او دوبار حج بجا آورد و نخستین بار در سال ۱۱۹۶ و دومین مرتبه در سال ۱۲۱۱ق.

در باره - نخستین سفرش به مکه، سفرنامه بزرگش را که از بزرگترین و مفصلترین سفرنامه‌هاست نوشت و در آن به بسیاری از سفرنامه‌های پیش از خود مانند سفرنامه عیاشی، سفرنامه عبدری، سفرنامه صفدی، سفرنامه تجیبی، سفرنامه بکری و سفرنامه ناصری رجوع کرد و از آنها بهره جست.

در باره دومین سفرش نیز، سفرنامه کوچکش را نوشت، لیکن سفرنامه بزرگ نخستینش، از بسیاری از سفرنامه‌ها سودمندتر و کاملتر است و همچنان به صورت خطی است و نسخه‌ای از آن در کتابخانه عمومی در شهر «رباط» نگهداری می‌شود که در دوران مؤلف نوشته شده است و چه بسا پیش‌نویس تألیفش و به خط خود مؤلف باشد.

سفرنامه تا مراوی

محمد بن محمد مزواری تا مراوی از

تاکنون این سفرنامه چاپ نشده است.

سفرنامه منالی زبادی

نامش عبدالمجید بن علی حسنی ادریسی فاسی (متوفای سال ۱۱۶۳ق) است و سفرنامه‌اش «بلوغ المرام بالرحلة الی البیت الحرام» نام دارد. او در سال ۱۱۴۸ راهی مکه شد و حج گزارد.

زبادی قصیده‌ای در بیان مناسک حج سرود و آن را «اتحاف المسکین الناسک لبیان المراحل و المناسک» نام نهاد و ضمیمه سفرنامه‌اش نمود. او دارای اشعاری است از نوع شعر عالمان، از آن جمله قصیده‌ای است با مطلع زیر:

«سلام بر نجد و ساکنان نجد، سلام دوستاری سرشار از شوق و شیدایی.^۶ که در آن نسبت به منازل حجاز ابراز علاقه و شیفتگی می‌کند.

این سفرنامه همچنان به صورت خطی است و نسخه‌ای از آن در کتابخانه عمومی شهر «رباط» موجود است. در این سفرنامه او بسیار به سفرنامه عیاشی تکیه کرده و در حقیقت، متمم دو سفرنامه عیاشی سفرنامه ابن ناصر و همچنین سفرنامه درعی به شمار می‌رود.

سفرنامه سویدی

نامش ابوالبرکات، عبدالله بن حسین سویدی بغدادی، (۱۱۰۴ - ۱۱۷۴ق) است و سفرنامه‌اش «النفحة المسکية فی الرحلة

مغرب دور در سال ۱۲۴۲ حج گزارد و سفرنامه‌اش را بطور کامل نویسنده کتاب «المعسول» نقل کرده است (ج ۸، ص ۱۹۷ به بعد). این سفرنامه بسیار مختصر است، لیکن خواندن آن فایده‌هایی دارد هرچند در نقل نامهای مکانها اشتباهاتی مرتکب شده است.

سفرنامه ادریس علوی

ادریس بن عبدالهادی علوی حسنی فاسی (متوفای در مدینه به سال ۱۳۳۱ق)، از طریق دریا و از کانال سوئز حرکت کرد و به «ینبع» رسید و در سال ۱۲۸۸ فریضه حج را بجا آورد و سفرنامه خود را نوشت. این سفرنامه بسیار مختصر است و نسخه خطی آن در کتابخانه عمومی شهر «رباط» نگهداری می‌شود.

سفرنامه ابن کیران

محمدبن الطیب بن کیران فاسی (متوفای سال ۱۳۱۴ق) در سال ۱۲۹۳ق به مکه مشرف شد و فریضه حج بجا آورد. آن گاه مشاهدات خود را در سفرنامه‌اش گزارش نمود و آن را «الرحلة الفاسية الممزوجة بالمناسك المالکيه» نام نهاد. او از طریق دریا و با کشتی این مسیر را طی کرد. این سفرنامه در شهر فاس چاپ شده است، و از نسخه خطی آن در کتابخانه شهر «رباط» با خبر شده‌ام. این سفرنامه بویژه در توصیف راه میان مکه و مدینه قابل استفاده و مفید

است.

سفرنامه حمیدی

مؤلف آن اسماعیل حمیدی مالکی (واضحاً از اهالی مصر) است که در قرن سیزدهم می‌زیست و در سال ۱۲۹۷ق از کانال سوئز عازم «جده» شد و به مکه رفت و فریضه حج را بجا آورد.

نسخه خطی این سفرنامه که از آن با خبر شده‌ام در کتابخانه شهر «رباط» است و با مناسک حج آمیخته است و با وجود اختصار آن دارای فایده‌هایی است.

سفرنامه تونسسی

محمدبن عثمان سنوسی تونسسی (۱۲۶۶ - ۱۳۱۸). از علمای نامدار تونس است که در سال ۱۲۹۹ عازم مکه شد و حج نمود.

سفرنامه تونسسی شامل مباحث بسیار و متنوعی است و مؤلف به نوشتن تاریخ علما و سرگذشتشان توجه خاص دارد همچنانکه مشاهدات خود را در مکه و مدینه می‌نگارد و در بازگشت با حجاج شام مسیر مکه تا شام را نیز بخوبی گزارش می‌کند.

در تونس به کار انتشار این سفرنامه پرداخته‌اند و نخستین بخش آن که ویژه زندگی‌نامه‌هاست، منتشر شده است.

در قرن چهاردهم نیز بسیاری از آن خطه عازم مکه شدند و مشاهدات خود را

می‌نویسد و مکه و طائف را وصف می‌کند و در باره آبادانی شبه جزیره و مسائل گوناگون زندگی آن خطه به تفصیل بحث می‌کند. تا آن جا که این سفرنامه از مفیدترین و کاملترین سفرنامه‌ها به شمار می‌رود.

۱۳ - «رحلة الحجاز» نوشته ابراهیم عبدالقادر المازنی (۱۳۰۸-۱۳۶۸ق) در سال ۱۳۴۹ (۱۹۳۰م) در وصف مراسم جشن به تخت نشستن ملک عبدالعزيز آل سعود. این کتاب در سال ۱۹۳۰ در ۱۶۶ صفحه همراه با تصویر چاپ شده است.

۱۴ - «مشاهداتی فی بلاد الحجاز» نوشته عبدالوهاب خضیر. کتابچه‌ای در ۴۳ صفحه که مراسم به تخت نشستن ملک عبد العزيز در سال ۱۳۴۹ (۱۹۳۰م) را گزارش می‌کند. این کتابچه با مقدمه احمد زکی پاشا و همراه با تصاویر چاپ شده است.

۱۵ - «فی المملكة الروحية للعالم الاسلامی (رحلة الى الحجاز سنة ۱۹۳۰ - ۱۹۳۱م)» نوشته مصطفی محمد. این کتاب در ۲۳۰ صفحه همراه با تصاویر در چاپخانه «المدينة المنورة» چاپ شده است.

مشخصات منبع ترجمه چنین است:

اشهر رحلات الحج: ۱ ملخص رحلتی ابن عبدالسلام الدرعی المغربی، حمد الجاسر، الرياض، منشورات الرفاعی، ۱۴۰۲ق. ص ۱۱ و ۳۱.

تصویرها و نقشه‌ها ۳۳۴ صفحه دارد.

۸ - «سیاحتی الی الحجاز» منسوب به غریب بن عجیب هاشمی است و در قاهره به سال ۱۹۱۵م در ۴۵۷ صفحه همراه با عکس چاپ شده است.

۹ - «تذکار الحجاز» سفرنامه مختصری است از عبدالعزيز صبری از مصر در آخر دوران شریف حسین حاکم مکه. این سفرنامه با اختصاری که دارد، مفید است و در سال ۱۳۴۲ق در چاپخانه سلفیه در ۲۲۸ صفحه چاپ شده و شامل عکسهایی است:

۱۰ - «فی قلب نجد و الحجاز» نوشته محمد شفیق مصطفی، روزنامه‌نگاری مصری که از قاهره از طریق فلسطین در سال ۱۳۴۶ق (۱۹۲۷م) راهی مکه شد و پس از گذر از «قریات الملح» «جوف» «قصیم» و «ریاض» به مکه رسید و گزارش مشاهدات خود را در روزنامه «السیاسة» منتشر ساخت. آن گاه «دار المناره» این مقالات را در کتابچه‌ای شامل ۶۷ صفحه به چاپ رساند. در این سفرنامه علی‌رغم اختصارش، اطلاعات جالبی وجود دارد.

۱۱ - «مرشد الحاج» نوشته عبدالوهاب مظهر در سال ۱۳۴۷ق. این سفرنامه در ۱۰۳ صفحه چاپ شده است.

۱۲ - «الارتسامات اللطاف فی خواطر الحاج الی اقدس مطاف».

نوشته امیر شکیب ارسلان (۱۲۸۶ - ۱۳۶۶ق). که مؤلف در آن گزارش سفر حج خود را در سال ۱۳۴۸ق طی ۳۰۴ صفحه

پاورقی‌ها:

- ۱- واژه «شنید» یا «سَمِع» در اصطلاح محدثان گویای آنست که فردی گفته‌های استادش و نقل قول او را از کتاب روایت آن را می‌شنود و درمی‌یابد و ضبط می‌کند.
- ۲- برای زندگینامه‌اش رجوع کنید به مقدمه کتاب «صفة جزيرة العرب» منتشر شده توسط دارالایمامه.
- ۳- نگاه کنید به مجله «العرب» ص ۸۴۳ سطر ۸.
- ۴- ر.ک. «ابوعلی الهَجْرِي» ص ۱۰، ۶۹، ۹۶.
- ۵- ر.ک. ص ۲۱ مقدمه «صفة جزيرة العرب» انتشارات دارالایمامه.
- ۶- سلام علی نجد و من حل فی نجد. سلام محب زائد الشوق و الوجد.